

در مطبعی نایب کتب کثیره اقصیٰ کتب کاتبه و مطبوعه



بسم اللہ الرحمن الرحیم

بعد حمد پر وردگار نبوت سید ابراہیم علیہ السلام
 و اصحاب الکبار مخفی مباد کہ این رسالہ الیست از منتخبات کمترین بندگان
 اینہ و جهان آفرین فیاض الدین ابن معز الدین باشندہ سلامت
 بر اینکہ بعد تقویٰ و دینیت حیات بخازن حقیقی حقوق چسارگانہ
 مشربہ باترکہ متعلق میگردد یعنی اول تجنیز و تکفین او بطور اوسط است
 دوم ادا حق وین و عی کہ حق العباد باشد سوم احکام و وصیت از
 ثلث مال چہارم بعد ادا حق متعلق مانقذم مالی کہ باقی باشند اولاً

بندوی الفروض پستربعصبہ برسد و اگر کسی از قسم عصبہ موجود نباشد
پس مقدار افزون سوائے زوج و زوجہ دیگر بحساب فرائض
روکرده شود پسترنزد و رحم پسترمولای موالیات پسترمقررہ بالنسب علی
الغیر بشرطیکہ مقبرہ اقرار خود بمیرد و نسب از ان غیر ثابت نشود پسترموصی
جمع مال دریافت و بعد از آنکه در بیت المال مسلمین تفویض کرده آید انار
قتل و اختلاف و بین مانع ارث است و اختلاف دار مانع
ارث مسلمین نیست و آنکہ هیچگاه وارث نمی شود و حاجت دیگری نمیکرد

فصل در بیان احوال ذوی الفروض

اول پدر حجتہ اوسدس است و آن باپسر یا پسر پسر و فرودترین آنها
و فرض و تعصیب معا و آن با دختر یا دختر پسر و فرودترین آنها و بی
اینان عصبہ دوم حد صحیح یعنی پدر پدر اگر چه بالاتر باشد بعد پدر
بہ استحقاق و ارث مثل پدر است مگر در چارمسئله کہ اختلاف فی دار
آن از متبع حالات ظاہر سوم برادر اخیا فی یکے راشد س و زائد

اذان را ثلث آقا با وجود پدر و جد صحیح و ولد و ولد و ولد و فروترین
 آنها محروم چهارم شوهر حقه اولی است آقا با فرزند و فرزند پس
 و فروترین آنها ربع پنجم زوج یکی باشد یا زاده اذان حقه اولی است
 و با فرزند و فرزند پس و فروترین آنها ششم ششم بنت صلبیه یکی از صنف
 و زاده اذان را ثلثان و با پس و دختران عصبیه میگردند درین صورت
 پس را و چندان حقه دختر باشد هفتم دختر پس بر دم دختر صلبیه
 حسب تسلط صدر همچون دختر صلبیه حق دارد میشود و با یک دختر صلبیه
 سس میاید و با دو دختر صلبیه وارث نمیشود آقا بوقت موجود
 بودن پسری متساوی الدرجه یا فرد ترا از خود با عصبه گردیده باقی
 از حقه دختران دریا بند نوعی که مرد را و چندان حصه زن باشد
 و آنانکه بدرجه از پس فرود تر باشند چیزی نمی یابند و با وجود پسرت
 وارث نمی شوند و اگر چند دختران پس مختلف الماراج باشند پس آنکه
 از همه اقرب بود مثل دختر صلبیه مستحق نصف و دیگران بمانند اقرب

درجه مستحق سدس میشوند هشتم خواهر عینییه یکی را نصف و زائد از آنرا
 تملکشان و با برادر عینی عصبه میگردند درین صورت برادر عینی را دو چندان
 حصه خواهر عینی برسد و نیز اینان با دختر و دختر پسر نیت عصب میشوند
 نهم خواهر علاقی اینها در استحقاق وراثت همچو خواهر عینییه اند اما با یک
 خواهر عینییه سدس می یابند و باز از آن محروم اما اگر برادر می داشته
 باشند بسبب وی عصبه میشوند درین صورت برادر را دو چندان حصت
 خواهر باشد و نیز آنها با نباتات و نباتات این عصبه گردیده با بقی از حصه
 آنان در یابند و هم خواهر اخیانی حال او مثل برادر اخیانی است در
 استحقاق وراثت زن مرد مساوی اند خواهران اخیانیه و اعیانیه و علایقه
 بسبب این این الا این فروترین آنها و بسبب پدر و جد صحیح محروم عن
 الارث اند و سوا ی آن خواهران علایقه بسبب برادر عینی و با خواهر عینی
 که بسبب نباتات یا نباتات این عصبه میشود ساقط میگرددند باز و هم در حصه و سدر
 است و آن با فرزند و فرزند پسر و فروترین آنها و با دو کس از برادران



و خواهران هر چندی باز آید یا زائد از آن و ثلث کل بعد از این خاص مذکور
 و ثلث باقی بعد فرض اجداد و جین و تنه که با پدر و جد و جده و جد و جده
 باشد و از دهم جده و جده مساوی الدرجه یعنی مادر و پدر و مادر و مادر اگر چه
 بالاتر باشد سدس دریا باشد اما اجداد مادر و پدر و مادر و مادر و مادر
 و سوای اجداد مادر و جده و دیگر با وجود پدر و سوای مادر پدر بالا
 زین آنها اجداد دیگر با وجود جده ساقط میشوند سوای آن جده قریبه
 حاجب جده بعیده است خواه آن جده منجانب مادر باشد یا منجانب
 پدر و ارث باشد یا نه اگر جده موصوفه بیک قرابت باشد و دیگر
 بدو قرابت پس سدس نزد امام ابو یوسف رح اتفاقا با اعتبار
 رؤس نزد امام محمد رح اثلاثا با اعتبار جهات تقسیم خواهد یافت

فصل در بیان احوال عصبیات

اول پسران بعد پسران پسر اگر چه فروتر باشند بعد پدر و پدر پدر
 اگر چه بالاتر باشند بعد برادران و پسران آنها اگر چه فروتر باشند

بعد از اتمام پس از آن سپهرن آنها اگر چه فروز باشد بعد از آنرا و کنند
 بعد از عصبه آنرا و کنند اما و ایشان آنرا و کنند زنان مستحق ولادت نیستند
 الا آنکه از ایشان سبب حریت با واسطه یا بلا واسطه بعد و برآمده
 باشد از ایشان کسیکه بقرب است به استحقاق وراثت لا حوا
 و هم کسی که ذی قرابتین است عام اندیش که مری باشد یا زن حجاب
 ذی قرابت واحد است و زنیک صاحب فرزند نیست بسبب برادر
 خود و عصبه نمی شود

فصل بیان احوال ذوی الارحام

و بناچار محنت اند به ترتیب ذیل اول فرزندان نحر و فرزندان
 و خهران پس اگر چه پائین تر باشد و هم فاسد و جهادات فاسد است اگر چه
 بالاتر و وند سوم اولاد خواهر و خهران و برادران و فرزندان برادر خانی
 چهارم عمات و احوال و خاله و اعمام و خیا فی و بنات الارحام و اولاد
 آنها قاعده کلیه آنکه بقرب است به استحقاق وراثت است و هم



بسیب مساوی بودن درجه قرابت استحقاق فرزند وارث مقدم
 تر است چون استحقاق دختر و دختر پسر بر دختر و دختر و در صورت اختلاف
 فوت قرابت جهات قرابت به اعتبار ترجیح اصل و در صورت اتحاد و فوت
 قرابت و جهات قرابت با مراعات ترجیح مرد بر زن تقسیم خواهد یافت و
 هرگاه اقربائی مادری و پدری با هم دعوی دارند و ثلث اقربائی پدر
 را و یک ثلث اقربائی مادری است بلا کانتا محض دعوی دار و در میان
 اولاد خواهر خایه و برادر خانی ترجیح مرد بر زن نیست و در صورت
 ذوی الارحام ترجیح صنف اول بر دوم و سوم بر چهارم است

فصل در بیان تخارج سهام و تقسیم و نسبت اعداد و تصحیح

سهام متعین مذکوره بر دو نوع است نوع اول نصف ربع و ثمن
 نوع ثانی ثلث و ثلثان سدس از آن جمله خرج نصف دو باشد و مخرج سهام
 دیگر عدد و هنام آن بود و اگر چند حصص متحد التوابع مجتمع شوند پس باعتبار
 عدد یک مخرج همه فرائض مجتمع میتوان شد تقسیم کرده آید و اگر مختلف التوابع باشند

با احتمال نصف یا کل یا بعض نوع ثانی مسئله از شش با احتمال ربع
 یا کل یا بعض نوع ثانی از دوازده به احتمال شش یا کل یا بعض نوع
 ثانی از سبب و چار منقسم میگردد و گاهی بوقت تنگی مخرج به ادای فرائض
 به قاعده عول عدو شش را تا ده حجت باشد یا طاق و دوازده را تا هفت
 فقط طاق و سبب و چار را صرف تا سبب و هفت اضافه کرده تقسیم
 کرده میشود باین قاعده کلیه که از اصل منقسم سهام مقدوره هر فردی در
 دوازده صحیح سهام منقسمه مسئله مانند تحقق کند مثلاً زوج و دو اخت
 عینی و ارث باشند اگر سهام مقسومه بر مستحقین تقسیم صحیح بپذیرد
 پس بدریافت نسبت اربع حسب قواعد زیرین صحیح نموده آید
 بدانکه میان عدوین مختلفین نسبت اربع واقع است اول تامل و
 آن مساوی بودن هر دو عدو است چون سه و سه و دو و دو آن تقسیم
 عدو کثیر است بر عدو قلیل بلا بقای چیزی چون سه و دو و دو و دو
 و آن فدا شدن هر دو عدو است بذریع کدیمی عدو ثالث که سومی و اصدا

چهارم بتاین و آن فتاشدن هر دو عدد است بذریعۀ عدد واحد
 نه بذریعۀ عدد دیگر که درین صورت توافق باشد قاعدۀ کلیه معرفت
 توافق و بتاین آنست که از اکثر بمقدار قل کم کرده شود تا وقتی که تنفر
 بکدامی درجه گردد پس اگر عدد و اعداد باقی ماند بتاین بود و الا توافق
 و عدد وقتی مخرج جزء وفق است چنانچه شانزده و بیچده متوافق اند ب نصف
 و پانزده و دوازده متوافق اند ثلث قواعدی که شرح اول هرگاه حصه یک
 طائفه منکسر شد اما میان عدد و روس و سهام آن طائفه حسب تسطیر نسبت
 توافق است یعنی اگر نسبت توافق بالنصف باشد نصف عدد و روس
 آن طائفه علی هذا القیاس هر وقت هر چه باشد در اصل مقسم ضرب نماید
 مثلاً مادر و ده بنت وارث اند و اگر متباین باشد پس کل عدد و روس
 آن طائفه در اصل مقسم ضرب نماید چون یک جده و زوج و سه اخت
 اخیانیه وارث اند و دوم هرگاه حصه بر چند طائفه منکسر شد آنگاه عدد
 روس یک فریق بسوی عدد و روس و فریق دیگر نسبت کرده بود و قیاس

توانش و نفع و بوضوح نسبت نباتات کل عدد رؤس یکے بر دیگرے
 ضرب نموده حاصل ضرب آخرین در اصل مقسم ضرب نماید چون حساب
 زوج و همپدره نبات و پانزده جده و شش اعمام وارث باشند اگر
 اعداد رؤس با هم مثل باشند یا حسب نسبت متداخل بر آینه
 تا حاجت ضرب یکے بر دیگرے نیست در صورت مماثلت اعداد
 و در صورت مخالفت اکثر الاعداد در اصل مقسم ضرب نماید مثال مماثلت
 چون سه و خنجر و سه جده و سه اعمام وارث اند مثال مخالفت چون
 چهار زوج و سه جده و دو ازده اعمام وارث اند حصه هر فریق که از اصل
 مقسم بدیشان رسیده است در مضروب اصل مسئله ضرب کرده
 حصه صحیح آن فریق و حاصل ضرب مذکوره بر عدد رؤس
 آن طائفه تقسیم کرده حصه صحیح هر واحد برآور

فصل در بیان مسائل و

اول هرگاه صرف جنس و اعداد اهل و باشند تا این مسئله

اند و در رأس آنان تقسیم کنند چون در وراثت و ارث اند و دوم هرگاه
 صرف و و غیر از اهل رد باشند تا این مسئله از مجموع سهام آنان
 تقسیم یابد چون بده و یک اخت اختیافیه و ارث اند سوم هرگاه
 غیر اهل رد و یک غیر اهل رد باشند پس حصه غیر اهل رد از اهل
 تخرج سهام وی داده ما بقی برای رد تقسیم نماید چون زوج و نسبت
 و ارث باشند و در صورت مستقیم نشدن آن و واقع شدن نسبت
 توافق و وفق و بواجب شدن نسبت تباین کل عدد در رأس اهل رد
 بر تخرج سهام غیر اهل رد ضرب نماید چون زوج و دختر نسبت
 و ارث اند چهارم هرگاه غیر اهل رد یا دو غیر اهل رد باشند
 پس آن قدر که از تخرج حصه غیر اهل رد باقی باشد آنرا بر مسئله
 اهل رد که اند و ی رد باشند تقسیم نماید چون یک زوج و
 و یک بده و دو اخت اختیافیه و ارث اند و در صورت مستقیم نشدن
 آن بر هر واحد با وصف مستقیم شدن بر مسئله حسب قواعد تقسیم


تصحیح نماید و اگر بر مسئله هم مستقیم نشود پس کل مسئله اهل رود بر خرج
 سهام غیر اهل رود ضرب نماید و سهام غیر اهل رود بر مسئله اهل رود
 سهام هر فرق اهل رود بر مقدار بقیه خرج حصه غیر اهل رود ضرب نموده
 مقدار حصه هر فرق یافته تا ثابته و حسب قواعد تصحیح تصحیح مسائل نماید
 چون یک زوج و نبات و شش جدات و ارث اند

فصل در بیان مناسبت

اول ترک میت اول بعد ترک میت ثانی تقسیم کرده هر قدر که میت
 ثانی را از ترک میت اول در رسیده و بمانی الید موسوم است آنرا
 بالتصحیح دوم نسبت نماید اگر مائل اند حاجت غرب نیست و الا در صورت
 توافق و در صورت تباین کل عدد تصحیح ثانی بر تصحیح اول
 ضرب نموده سهام و ارثان میت اول بر کل تصحیح دوم اگر متباین است
 یا در وفق تصحیح دوم اگر متوافق است ضرب نماید همچنین سهام
 و ارثان میت دوم بر کل مانی الید اگر متباین است یا در وفق آن

اگر متوافق است ضرب نماید علی هذا القیاس اگر شخص سوم
یا چهارم فوتیده باشد در عمل آن مخیر ج مسائل
اول و دوم بمنزله تفسیح اول و مخیر ج مسئله سوم
بمنزله تفسیح ثانی و میت ثالث را از ترک میت اول و دوم
هرتدر که رسیده است بمنزله مانی الیه مقصور باشد
و کذا لک عمل الی غیر النهایه

فصل در بیان بعض مسائل

املاک مفقود از حین ولادت تا نو و سال موقوف باید و شد
و اگر مفقود چنان باشد که بسبب زنده ماندن او حصه و ارثان
دیگر نه زائد می شود نه کم تا ترک تقسیم کرده خواهد شد اما کسی که بسبب
حیات مفقود و محروم می شود چیزی نخواهد یافت مسئله بیس
حمل حصه یک پسر با یک بنت هر چه انفع باشد باقی باید و شد
و اگر حمل چنان باشد که بسبب زنده زادن وی  بی ارث

محسوم میشوند فی انفور میچیک تقسیم بعمل خواهند آمد اما
 اگر وارثان دیگر چنان باشند که هر حال استحقاق کدام یک حصه
 می شوند پس تقسیم کرده کمترین حصه بد ایشان داده باقی
 تا وضع بعمل موقوف داشته خواهد شد مستلزم اگر
 خفشی مشکل وارث باشد کمترین نصیب مرد و زن یا پدر یا
 خنثاء مشکل و محل بر تقدیر و کوریت و انوثیت و مسائل مفقود
 بقصد رجات و ثبات تصحیح کرده خواهد شد مستلزم اگر
 چند کس با هم به مرگ مفاجات فوتبیده باشند و پدر
 و پیش فوت شان معلوم نبود پس موت آنها بیک علت
 واقع گردیده متصور خواهد شد و مال آنان با حیات و الوارثان
 شان خواهد رسید از فوتبیدگان یک وارث دیگری
 نخواهد شد - بکذا حکم الکتاب و الله اعلم
 بالصواب



خاتمه الطبع

پس از حمد و ثنا مخفی مباد که درین زمان رساله مایحتاج عام مفید
 و نام در تقسیم ترک میراث مملو بود در مسائل مسلمی به رساله فرائض که
 شگرت رساله الیست در تبیین مسائل ضروری پیش پا افتاده که مردم
 هر دیار را در اکثر اوقات بدریافت آنها حاجتی افتد مشتمل بر چند فصل است
 احوال ذوی الفروض که یازده اند مانند پدر و جد و غیره و احوال عیالت
 و احوال ذوی الارحام - و میان تخارج سهام تقسیم - و مسائل و مسائل
 مناسیح مولفه و مدونه عالم علوم و اقف فنون منشی فیاض الدین حسام
 حسب خواهش ارباب شوق و نظر با شاعت علم و افاده خاص عامه
 پنجم در مطبع نامی و مشهور منشی نول کشور واقع بلده کاپور

در ماه جون ۱۲۸۴ طبع شد

